

## بررسی نقش دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد کشاورزی بر روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده استان آذربایجان غربی

معصومه ارفعی\* - کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی  
سید جمال فرج‌اله حسینی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

### چکیده

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی با اهدافی مانند ارتقای سطح آگاهی و مهارت شاغلان روستایی، افزایش تولید و درآمد، ایجاد فرصت شغلی، تثبیت و استمرار شغلی و کاهش بیکاری در سطح روستاهای کشور، طراحی و اجرایی گردید. از این رو پژوهش حاضر با جمع‌آوری اطلاعات و آمارهای دقیق از دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیر رسمی که وزارت جهاد کشاورزی در سطح روستاهای استان آذربایجان غربی برگزار کرده است، میزان تأثیر دوره‌های فوق را در یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی برای کارآموزان بررسی کرده است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و به روش توصیفی و همبستگی انجام گرفته است. جامعه آماری ۱۳۳۴ نفر از روستاییان آموزش دیده ساکن در روستاهای استان آذربایجان غربی اند، که ۲۱۱ نفر از آنان از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران، جمعیت نمونه تحقیق را تشکیل داده‌اند. در این تحقیق ۱۹ متغیر مستقل وجود دارد. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین ۱۹ متغیر مستقل تحقیق با متغیرهای وابسته وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده نشان داد که بین متغیرهای مستقل، سن، شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف، تناسب دوره آموزشی با شغل مورد علاقه، تناسب محتوای آموزشی با نیازهای شغلی، تناسب عنوان دوره با شغل مورد علاقه، میزان مناسب بودن سرفصلهای دوره آموزشی، مناسب بودن روش تدریس مربی، مناسب بودن مکان برگزاری دوره، هماهنگی دوره با زمینه شغلی موجود در منطقه، عناوین دوره‌های آموزشی شهرستانهای مختلف با وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده، رابطه معنی داری وجود دارد.

\* Email: elaheh\_arf@yahoo.com

از طرف دیگر متغیرهایی چون سواد، سابقه، روشهای تدریس مربی، وسایل کمک آموزشی و نوع شغل با وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده رابطه معنی داری ندارند. همچنین بین وضعیت تأهل، جنسیت، استفاده یا عدم استفاده از تسهیلات حمایتی با وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده اختلاف مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف، تناسب عنوان دوره آموزشی با شغل مورد علاقه کارآموزان، مناسب بودن روش تدریس مربی در رفع نیازهای شغلی کارآموزان، مناسب بودن مکان برگزاری دوره آموزشی بر وضعیت اشتغال کارآموزان تأثیرات مثبتی داشته‌اند.

### واژه‌های کلیدی: آموزش غیر رسمی، آموزش فنی و حرفه‌ای، اشتغال، روستاییان، آذربایجان

غربی / استان.

#### مقدمه

آموزش برای جوامع انسانی از نخستین ضروریات است. امروزه یکی از مسائل مهم در زمینه رشد و توسعه جوامع، توجه به امر آموزش است به طوری که می‌توان آن را سرمنشأ بسیاری از تحولات اجتماعی و عامل اصلی توسعه منابع انسانی دانست.

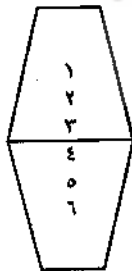
آموزشهای فنی و حرفه‌ای در افزایش مهارت نیروی انسانی نقش اساسی دارند. این آموزشها بازوی توانمند اشتغال افراد محسوب می‌شوند. با توجه به توسعه روزافزون فنون و مهارتهای مختلف در جوامع روستایی، ضرورت باز تعریف آموزشهای فنی و حرفه‌ای، اجتناب ناپذیر است. با وجود گذشت چندین دهه از آموزشهای فنی و حرفه‌ای، هنوز تصویر روشنی از میزان کارایی این آموزشها در اشتغال افراد در دست نیست. بدین منظور ضروری است درباره تأثیر دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای بر روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده بررسی شود. برای این منظور داشتن اطلاعات دقیق و قابل اعتماد درباره دروندادهای نظام آموزشی، چگونگی روشها و محتوای آموزشی از ضروریات است تا بر اساس این مطالب تصمیمات لازم برای بهبود نظام آموزشی مورد نظر اتخاذ شود.

بنابراین در تحقیق حاضر سعی می‌شود که با جمع‌آوری آمار و اطلاعات دقیق از دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی که سازمان جهاد سازندگی سابق در سطح روستاهای آذربایجان غربی برگزار کرده است، میزان تأثیر این دوره‌ها بر اشتغال روستاییان آموزش دیده به تفکیک عنوان و محل برگزاری دوره بررسی شود تا از این طریق عوامل مؤثر بر اشتغال آموزش دیدگان مشخص گردد.

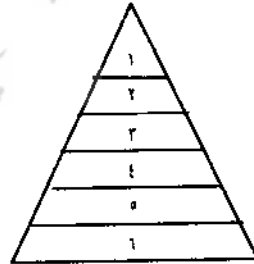
### مروری بر پیشینه تحقیق

امروزه سرمایه‌گذاری در آموزش که عاملی کلیدی و راهبردی در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهاست، نقش مهمی دارد. زیرا تغییر و تحول در جوامع به سرمایه‌انسانی وابسته است. به بیان دیگر منابع انسانی زمانی بهره‌ور و کارآ خواهند شد که به سرمایه‌انسانی تبدیل شوند یعنی به مهارت‌ها و دانش فنی نیروی انسانی افزوده شود و همواره آنها را نوآور، خلاق و مبتکر سازد. «منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد، سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولیدند، در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پی می‌ریزند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردم را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد» (شالچیان، ۱۳۷۳). اندکی تأمل در این باره توجه را به اهمیت آموزش نیروی انسانی معطوف می‌سازد چرا که تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص در هر کشوری در ارتباط مستقیم با دستیابی به خودکفایی واقعی آن است و استقلال واقعی هر کشور نیز با میزان توانایی‌های نیروی انسانی آن سنجیده می‌شود. کشورهایی که علاوه بر آموزش عمومی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متنوع و متناسب با نیاز جامعه در برنامه توسعه خویش بهره گرفته‌اند، به موفقیت‌های بیشتری دست یافته‌اند. از سوی دیگر نگاهی به هرم توزیع منابع انسانی در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه گویای این واقعیت است که تعادل منطقی بین طبقات شش‌گانه شغلی در کشورهای گروه دوم وجود ندارد (مدل ۱).

طبقات شش‌گانه شغلی عبارت‌اند از: ۱- پژوهشگران و مخترعان ۲- نوآوران و توسعه‌دهندگان ۳- معلمان و آموزشگران ۴- مدیران و برنامه‌ریزان ۵- تکنیسین‌ها و ناظران کارگاه‌ها ۶- کارگران ساده (همان).



گروه اول: کشورهای پیشرفته



گروه دوم: کشورهای در حال توسعه

(منبع: Carkhuff, 1986)

### مدل ۱- نمایش طبقات شش‌گانه شغلی

وضعیت هرم توزیع نیروی انسانی نشان دهنده این است که انسان، مؤثرترین و راهبردی‌ترین منبع تولید و عامل فعال تولید است اما در سطحی بسیار پایین‌تر از ظرفیتهای ذهنی‌اش به‌کار گرفته می‌شود و میزان بهره‌گیری از وی بسیار کم است. بنابراین ضرورت استفاده بهینه از این منبع استهلاک‌ناپذیر در حدی که فراخور و براننده آن باشد، کاملاً نمایان است و این ممکن نیست مگر آنکه آموزش و پرورش عمومی و تخصصی در سطحی که مورد انتظار رشد و توسعه کشور است گسترش یابد و با ارتقای سطح علمی، استعدادها و خلاقیت‌های نیروی انسانی، زمینه‌های لازم برای افزایش بهره‌وری از منابع انسانی فراهم گردد (همان).

### سابقه آموزش فنی و حرفه‌ای در جهان

رنسانس، تحولات گسترده‌ای در تعلیم و تربیت اروپا ایجاد کرد، اما تا اواخر سده هفتم میلادی از روشهای جدید آموزش خبری نبود. در اواخر سده ۱۸ مقدمات ایجاد مدارس خاص برای تربیت معلم در آلمان فراهم شد. به طور کلی سه جریان در دگرگونی مدارس و تحول آنها مؤثر بود: ظهور جان لاک، تأثیر عقاید جان لاک و ژان ژاک روسو و بروز انقلاب صنعتی (مدیریت پژوهش، ۱۳۷۷).

تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، نقش دیرین آموزش و پرورش را به کلی دگرگون ساخت و در برنامه‌ها، محتوای درسی و روشهای تعلیم، تغییرات اساسی ایجاد کرد که از مهم‌ترین آنها همگانی شدن آموزش و پرورش، اهمیت یافتن علوم ریاضی و طبیعی، طولانی شدن مدت تحصیل، دخالت دولتها در امر تعلیم و تربیت، ایجاد رشته‌های تحصیلی، اجرای برنامه‌های مشاوره و راهنمایی در مدارس بود. در نتیجه، آموزش علوم و فنون به مدارس راه یافت و آموزش حرفه‌ای مدارس، بنیان‌گذاری شد (فرشاد، ۱۳۷۴).

توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای پیشرفته، نتیجه تغییراتی است که در فضای اقتصادی اجتماعی این کشورها در اواخر قرن نوزدهم رخ داد. در طی این قرن، روش سنتی آموزش استاد-شاگردی به تدریج متروک شد و سیاست‌هایی برای کنترل و استاندارد کردن فرایند تربیت و آموزش شغلی و حرفه‌ای ابداع گردید. رسمی و دولتی کردن برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بیشتر بر پایه این اعتقاد بود که اگر آموزش عمومی مستقیماً با اقتصاد کشور مرتبط باشد می‌تواند نقش تولیدی مهمی در توسعه اقتصادی ایفا کند. از این رو دلیل تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای، نقشی بود که مدارس فنی در نیمه دوم قرن ۱۹

1. John Locke 1632-1704
2. Jean Jacques Rousseau 1712-1778

میلادی در ارتقای سطح صنعتی و اقتصادی کشور آلمان و تسریع در اقتصاد جهانی به عهده گرفته بود (Benavot, 1983).

به هر حال، تسریع در جهت صنعتی شدن نیازمند ساختارهای آموزشی ویژه‌ای برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مؤسسات مختلف بود که این نیاز، موجب گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و تأسیس مدارس پلی تکنیک در فرانسه و سوئیس در اوایل قرن ۱۹ گردید (Carton, 1984).

بدین ترتیب، در آغاز قرن بیستم سه نوع مدرسه متوسطه در اروپا وجود داشت: سنتی، مدرن، فنی و حرفه‌ای. در اوایل قرن بیستم از برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای حمایت بیشتری شد زیرا دولت‌های غربی در راه تقویت آزادی‌های سیاسی و بهبود امکانات طبقات متوسط و کارگران در فشار بودند. در نتیجه حکومت‌های اروپایی در جستجوی راه‌های سیاسی بودند و در این راه، گام‌های مثبتی برداشتند که از جمله آنها اجرای دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بود.

بعد از نیمه دوم قرن بیستم، کشورهای در حال توسعه، آموزش بعد از دوره ابتدایی خود را گسترش دادند و آموزش فنی و حرفه‌ای در بسیاری از این کشورها در سطح متوسطه اجرا شد. متخصصان آموزشی در مؤسسات بین‌المللی مانند ILO و یونسکو نقش مهمی در توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم برعهده داشتند. این مؤسسات بین‌المللی بعدها از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت‌های مالی بسیار سنگینی کردند.

#### سابقه آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی اهمیت خاصی یافت، زیرا ضرورت دستیابی به استقلال و خودکفایی در اقتصاد کشور یکی از اهداف انقلاب اسلامی بود که تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را ضروری می‌ساخت. این مسئله موجب توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان عامل مهم تأمین‌کننده این نیروها گردید.

توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه از یک سو و پراکندگی اجرای آموزش‌های مذکور در چندین دستگاه اجرایی کشور و لزوم هماهنگی در برنامه‌های این نوع آموزش‌ها و نیز استفاده از تمامی امکانات و سرمایه‌گذارها از سوی دیگر، ایجاد سازمان یا مرکزی هماهنگ‌کننده برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را بیش از پیش ضروری کرد. از این رو شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای برای هماهنگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور ایجاد شد (مرجانی، ۱۳۷۰).

سازمان آموزش کشاورزی نیز همگام با وزارت آموزش و پرورش از طریق اداره کل آموزش روستاییان و آموزش کارکنان، به فعالیت آموزشی به شکل رسمی و غیر رسمی اقدام نمود. دوره‌های غیر رسمی (کوتاه مدت) برای کشاورزان، روستازادگان، دیپلمه‌های بیکار، افراد معرفی شده از نهادها و ارگانهای دولتی و سایر داوطلبانی که به نحوی در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند، در رشته‌های مختلف کشاورزی و دامپروری در مراکز آموزش کشاورزی و روستایی تشکیل شد، که هدف این دوره‌ها ارتقای مهارت شرکت‌کنندگان و بالا بردن میزان تولید در واحد سطح و رسیدن به خودکفایی محصولات کشاورزی بود. کلاسهای آموزشی این سازمان شامل آبیاری و حفر و لایروبی قنوات، سرویس و نگهداری موتورهای آب، تربیت باغبان ماهر، رانندگی تراکتور و کاربرد ماشینهای کشاورزی، اصول کشاورزی، رانندگی کمباین، گاو‌داری، زنبورداری و مرغداری بود (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۷؛ ۱۳۷۹).

### اهداف تحقیق

#### هدف کلی

هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی نقش دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی جهاد کشاورزی بر اشتغال روستاییان آموزش دیده استان آذربایجان غربی است.

#### اهداف اختصاصی

اهداف اختصاصی پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت وضعیت اشتغال فراگیران پس از گذراندن دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی.
- ۲- بررسی رابطه بین برخی از خصوصیات دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی (محتوای دوره، نوع دوره، روش تدریس) با وضعیت اشتغال فراگیران.
- ۳- شناخت رابطه بین ویژگیهای فردی فراگیران (سن، جنس، وضعیت تأهل، سطح سواد، نوع شغل) با وضعیت اشتغال فراگیران.
- ۴- شناخت دیدگاههای فراگیران دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی نسبت به دوره‌های آموزشی.
- ۵- شناخت عوامل مؤثر در میزان تأثیر آموزشهای فنی و حرفه‌ای بر وضعیت اشتغال.

#### روش تحقیق

از آنجا که هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی بر

روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده است، از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود که به روش توصیفی و همبستگی انجام شد. در این پژوهش وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده و بهبود وضعیت شغلی آنان بررسی می‌شود و در پایان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته مشخص می‌گردد.

### شیوه اجرایی تحقیق

تحقیق حاضر به شیوه میدانی یا پیمایشی انجام شد که طی آن ۲۱۱ روستایی شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی، به صورت نمونه‌گیری (طبقه‌ای - تصادفی) انتخاب شدند و پرسشنامه‌های تحقیق را پر کردند. بعد از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، داده‌ها استخراج و تجزیه و تحلیل شدند.

### متغیر مستقل

در این تحقیق ۱۹ متغیر مستقل وجود دارد که شامل سن، سواد، سابقه دفعات شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف، تناسب دوره آموزشی با شغل مورد علاقه، تناسب محتوای آموزشی با نیازهای شغلی، تناسب عنوان دوره با شغل مورد علاقه، میزان مناسب بودن سرفصل‌های دوره آموزشی، مناسب بودن روش تدریس مربی، مناسب بودن مکان برگزاری دوره، هماهنگی دوره با زمینه‌های شغلی موجود در منطقه، عناوین دوره آموزشی، شهرستان محل آموزش، نوع روش تدریس مربی، نوع وسایل کمک آموزشی، نوع شغل، وضعیت تأهل، جنسیت، استفاده یا عدم استفاده از تسهیلات حمایتی است.

### متغیر وابسته

در این تحقیق متغیر وابسته، وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی است.

### روش نمونه‌گیری

برای نمونه‌گیری از میان جامعه آماری موجود، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. براساس این روش، ابتدا ۱۴ شهرستان این استان در نظر گرفته شد و در مرحله بعدی، ۲۱۱ روستایی آموزش دیده به طور کاملاً تصادفی نمونه آماری مورد نظر را تشکیل دادند. سپس ۲۰۰۰ پرسشنامه با هدف جمع‌آوری اطلاعات لازم تهیه شد. ۲۱۱ نفر از میان ۱۳۳۴ نفر روستایی آموزش دیده موجود در سطح استان آذربایجان غربی، برگزیده شدند تا

پرسشنامه‌های تنظیمی را تکمیل کنند. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است.

جدول ۱- توزیع جامعه آماری بر حسب شهرستانهای استان آذربایجان غربی

ردیف	عناوین شهرستانها	تعداد دوره برگزار شده	تعداد کارآموزان شرکت کننده	حجم نمونه پیش بینی شده
۱	خوی	۱۲	۲۱۳	۳۴
۲	مهاباد	۸	۱۶۹	۲۷
۳	ارومیه	۶	۱۰۲	۱۶
۴	ماکو	۶	۸۳	۱۳
۵	پیرانشهر	۵	۱۰۶	۱۷
۶	اشنویه	۵	۷۶	۱۲
۷	بوکان	۴	۶۵	۱۰
۸	میاندوآب	۴	۵۷	۹
۹	شاهین دز	۴	۸۶	۱۴
۱۰	چالدران	۴	۷۱	۱۱
۱۱	نقده	۴	۹۳	۱۵
۱۲	سلماس	۳	۵۸	۹
۱۳	تکاب	۳	۹۶	۱۵
۱۴	سردشت	۳	۵۹	۹
	جمع	۷۱	۱۳۴۴	۲۱۱

(منبع: سازمان جهاد سازندگی آذربایجان غربی، ۱۳۷۹)

## نتایج

### الف) توصیفی

● بیشترین توزیع فراوانی مخاطبان در محدوده ۲۵-۲۶ سال (۳۰/۵ درصد) و کمترین فراوانی در محدوده ۵۵-۴۶ سال (۷/۵ درصد) قرار دارد. میانگین سن مخاطبان ۳۵ و انحراف معیار هم ۱۲/۸۲ است.

● ۴۲ درصد از افراد مورد مطالعه با بیشترین فراوانی تحصیلات ابتدایی و ۱/۵ درصد هم با کمترین فراوانی تحصیلات فوق دیپلم دارند. ۸/۵ درصد افراد مورد مطالعه بی سوادند.

● از میان مخاطبان تحقیق حاضر، ۹۳ درصد با بیشترین فراوانی مرد و ۷ درصد زن هستند. ۷۶ درصد از مخاطبان تحقیق متاهل و ۲۴ درصد مجردند.



● شغل اصلی بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه (۶۱/۵ درصد) دامداری، ۱۴/۲ درصد دامداری و کشاورزی، ۹ درصد زنبورداری، ۷/۵ درصد کشاورزی، ۲۰ درصد باغداری، ۳ درصد آبدار روستایی و ۱/۵ درصد قالیبافی است.

● ۲۰ درصد از مخاطبان تحقیق حاضر، با بیشترین فراوانی سابقه شغلی حدود ۶ تا ۱۰ سال دارند و کمترین فراوانی (۸/۱ درصد) مربوط به سابقه شغلی حدود ۳۰-۲۶ سال است.

● از نظر تعداد دفعات شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، بیشترین فراوانی مربوط به طبقه ۱-۲ دوره با ۷۳ درصد و کمترین فراوانی مربوط به طبقه بیشتر از ۴ دوره با ۱ درصد است.

● بیشترین فراوانی از نظر محل برگزاری دوره‌های آموزش، شهرستان خوی (۱۹ درصد) و کمترین فراوانی، شهرستان میاندوآب (۳ درصد) است

● در این تحقیق ۳۸ درصد افراد مورد مطالعه با بیشترین فراوانی دوره آموزشی پروار بندی گوسفند و نیز ۱ درصد افراد مورد مطالعه با کمترین فراوانی دوره آموزشی تربیت مروج را گذرانده‌اند.

● از مجموع ۲۰۰ نفر از افراد مورد مطالعه، ۱۲۰ نفر (۶۰ درصد) قبل از شرکت در دوره‌های آموزشی، شاغل و ۷۹ نفر (حدود ۴۰ درصد) بیکار بوده‌اند.

● شغل اصلی و مورد علاقه ۱۰۴ نفر از کارآموزان (۵۲ درصد) با بیشترین فراوانی و شغل اصلی و مورد علاقه ۸ نفر از فراگیران (۴ درصد)، با کمترین فراوانی با دوره آموزشی مرتبط بوده است.

● در زمینه میزان تأثیر محتوای دوره آموزشی در افزایش دانش، معلومات و مهارت کارآموزان، ۸ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی به میزان زیاد و ۲/۵ درصد از پاسخگویان با کمترین فراوانی به میزان کم تأثیر پذیرفته‌اند. میانگین حاصله ۳/۹۷ است که نشان می‌دهد محتوای دوره‌های آموزشی برگزار شده تأثیر زیادی در افزایش دانش، معلومات و مهارت کارآموزان داشته است.

● در بخش میزان تناسب عنوان دوره آموزشی با شغل مورد علاقه و اصلی کارآموزان، ۷۶ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی و حدود ۶ درصد با کمترین فراوانی میزان این تأثیر را خوب ارزیابی کرده‌اند.

● در مورد تأثیر سرفصل‌های دوره‌های آموزشی در ارتقای دانش و معلومات و مهارت کارآموزان، ۷۲ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی به میزان تأثیر زیاد و ۲/۵ درصد از پاسخگویان با کمترین فراوانی به میزان تأثیر کم اشاره کرده‌اند.

● درباره میزان تأثیر روش تدریس مربی در رفع نیازهای شغلی و مورد علاقه کارآموزان، ۷۵ درصد پاسخگویان میزان این تأثیر را زیاد، حدود ۲۴ درصد این تأثیر را در حد متوسط و ۱ درصد آن را در حد کم ارزیابی کرده‌اند.

● ۶۶ درصد از افراد مورد مطالعه مکان برگزاری دوره‌ها را در حد خوب و ۳۱ درصد در حد متوسط و ۳ درصد در حد بد ارزیابی کرده‌اند.

در خصوص به‌کارگیری نوع روشهای آموزشی در دوره‌ها، ۲۸ درصد پاسخگویان با بیشترین فراوانی به شیوه سخنرانی و ۱/۵ درصد با کمترین فراوانی به استفاده مربی از نشریات آموزشی اشاره کرده‌اند.

● تعداد ۵۰ نفر (۲۵ درصد) از کارآموزان، پس از طی دوره آموزشی از تسهیلات حمایتی برخوردار شده‌اند و ۱۵۰ نفر (۷۵ درصد) از این تسهیلات استفاده نکرده‌اند.

● تمام کارآموزان حداقل در یک دوره آموزشی شرکت کرده‌اند و ۶۵ نفر (۳۳/۵ درصد) از کارآموزان در دوره‌های آموزشی دیگری نیز شرکت کرده‌اند و ۱۲۹ نفر (۶۶/۵ درصد) از آنها در دوره‌های آموزشی دیگری شرکت نکرده‌اند.

● در خصوص عدم شرکت افراد در کلاسهای آموزشی، حدود ۳۹ درصد افراد مورد مطالعه با بیشترین فراوانی دعوت نشدن برای شرکت در کلاسهای آموزشی را اصلی‌ترین دلیل ذکر کرده‌اند. ۱۷/۵ درصد عدم نیاز به آموزش، ۱۷ درصد نامناسب بودن زمان تشکیل کلاس، حدود ۱۱ درصد مشکلات خانوادگی، ۷/۵ درصد نامناسب بودن مکان تشکیل کلاس و ۵ درصد پایین بودن کیفیت مطالب آموزشی را ذکر کرده‌اند.

#### ب) استنباطی

در این قسمت، نتایج مربوط به آزمون فرضیات تحقیق به طور جداگانه بررسی می‌شوند: فرضیه یک: محاسبه ضریب همبستگی بین متغیر مستقل سن کارآموزان و متغیر وابسته وضعیت اشتغال کارآموزان حاکی از آن است که بین متغیرهای فوق در سطح ۱ درصد خطا رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی هر چقدر سن روستاییان آموزش دیده بیشتر است، وضعیت اشتغال آنان نیز از نظر یافتن شغل یا تثبیت و استمرار، بهتر است. تحقیقات «خداوردیان» و «صابری» بیانگر رابطه معنی‌دار و معکوس بین سن و یادگیری بزرگسالان و سن و سودمندی دوره آموزشی است ولی تحقیق «نیکجو» نشان داد که هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین سن و ارتقای آگاهی شغلی روستاییان شرکت‌کننده در دوره آموزشی وجود ندارد (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ صابری، ۱۳۷۳؛ نیکجو، ۱۳۷۴).

فرضیه دو: ضریب همبستگی محاسبه شده بین میزان سواد کارآموزان و وضعیت

اشتغال آنان  $IC = -0/0497$  است که این ضریب در سطح ۵ درصد خطا معنی دار نبوده است. از این رو فرض تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می شود.

تحقیقی که «دشتی» انجام داد، نشان می دهد که رابطه معنی داری بین میزان تحصیلات فراگیر و ارتقای مهارت کار آموزان وجود ندارد ولی تحقیق «زوار» نشان داد که بین سطح سواد کار آموزان و سودمندی دوره آموزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (دشتی، ۱۳۷۲؛ زوار، ۱۳۷۳).

فرضیه سه: با محاسبه ضریب همبستگی بین سابقه اشتغال روستاییان آموزش دیده و وضعیت اشتغال آنان می توان نتیجه گرفت که این رابطه در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار نبوده است، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می شود. در واقع می توان گفت که سابقه اشتغال روستاییان شاغل، مستقل از وضعیت اشتغال آنان است. در واقع روستاییان شاغل که در این دوره ها شرکت می کنند در صدد یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی نیستند.

فرضیه چهار: محاسبه فرضیه همبستگی بین تعداد دفعات شرکت روستاییان در دوره های آموزشی مختلف و وضعیت اشتغال آنان حاکی از آن است که بین متغیرهای فوق در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. تحقیق «زوار» نشان می دهد که بین شرکت فراگیران در سایر دوره های آموزشی با سودمندی دوره آموزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ولی تحقیق «خداوردیان» نشان می دهد که بین شرکت کار آموزان در دوره های آموزشی بر حسب تعداد و سودمندی دوره آموزشی، رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد (زوار، ۱۳۷۳؛ خداوردیان، ۱۳۷۸).

فرضیه پنج: بررسی ضریب همبستگی بین میزان تناسب دوره های آموزشی برگزار شده با شغل مورد علاقه کار آموزان و وضعیت اشتغال آنان حاکی از آن است که بین دو متغیر مذکور رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. نتایج تحقیق «خداوردیان» نشان داده است که بین تناسب شغل کار آموزان با موضوع مورد آموزش و سودمندی دوره آموزشی رابطه معنی داری وجود دارد، در صورتی که تحقیق «نیکجو» بیانگر آن است که میزان ارتباط شغل و موضوع آموزش هیچ گونه رابطه معنی داری با ارتقای آگاهی شغلی کار آموزان ندارد (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ نیکجو، ۱۳۷۴).

فرضیه شش: ضریب همبستگی به دست آمده بین میزان تناسب محتوای دوره های آموزشی با نیازهای شغلی کار آموزان و وضعیت اشتغال آنان  $IC = 0/3678$  است و این رابطه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می شود، از این رو بین دو متغیر فوق، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بنابراین می توان گفت هر چه تناسب محتوای آموزشی با نیازهای شغلی

کارآموزان بیشتر بوده است، آنان در یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی موفق تر شده‌اند. فرضیه هفت: نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین میزان تناسب عنوان دوره آموزشی با شغل مورد علاقه کارآموزان و وضعیت اشتغال آنان بیانگر آن است که بین دو متغیر مذکور رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. نتایج حاصل از تحقیق «زوار» بیانگر نبود رابطه معنی دار بین سودمندی دوره آموزشی و عنوان دوره آموزشی است (زوار، ۱۳۷۳).

فرضیه هشت: ضریب همبستگی بین مناسب بودن سرفصلهای دوره آموزشی و وضعیت اشتغال کارآموزان،  $r_c = 0/3901$  است. این ضریب با بیش از ۹۹ درصد اطمینان قبول شده است. تحقیق «خداوردیان» نشان داده است که بین سودمندی سرفصلهای دوره آموزشی و سودمندی دوره‌های آموزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ولی تحقیق سازمان جهاد سازندگی استان خراسان حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین نیازهای شغلی فراگیران با میزان ارتقای آگاهی شغلی آنان وجود ندارد (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ سازمان جهاد سازندگی استان خراسان، ۱۳۷۴).

فرضیه نه: ضریب همبستگی بین میزان مناسب بودن روش تدریس مربی در رفع نیازهای شغلی کارآموزان و وضعیت اشتغال آنان  $r_c = 0/4448$  است. بنابراین بین متغیرهای فوق با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معنی داری وجود دارد. پژوهش «کرباسیون» نشان می‌دهد که بین معلومات شغلی مربیان و سودمندی دوره آموزشی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (کرباسیون، ۱۳۷۳).

فرضیه ده: ضریب همبستگی بین میزان مناسب بودن مکان برگزاری دوره (از نظر دوری و نزدیکی به کارآموزان) و وضعیت اشتغال کارآموزان،  $r_c = 0/3284$  است. بنابراین فرض تحقیق با ۹۹ درصد اطمینان تأیید و فرض صفر با حداکثر خطای ۱ درصد رد می‌شود. تحقیقات «عرب زاده مقدم» و «دشتی» مؤید وجود رابطه مثبت و معنی دار بین مکان برگزاری آموزشی و سودمندی دوره آموزشی و استقبال فراگیران از دوره آموزشی و مکان برگزاری آموزش است. ولی تحقیق «خداوردیان» نشان می‌دهد که بین مکان برگزاری دوره‌های آموزشی و سودمندی این دوره‌ها رابطه معنی داری وجود ندارد (عرب زاده مقدم، ۱۳۷۷؛ خداوردیان، ۱۳۷۸؛ دشتی، ۱۳۷۲).

فرضیه یازده: نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین متغیر میزان هماهنگی دوره آموزشی با زمینه‌های شغلی موجود در منطقه و وضعیت اشتغال کارآموزان، بیانگر آن است که بین دو متغیر مذکور با ۱ درصد خطا رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یعنی هر چه میزان هماهنگی دوره با زمینه‌های شغلی موجود در منطقه بیشتر باشد، کارآموزان در

یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی خود موفق تر خواهند بود.

**فرضیه دوازده:** نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در مورد میانگین رتبه‌ای وضعیت اشتغال کارآموزان بر حسب عناوین دوره‌های آموزشی برگزار شده  $X^2 = 19/806$  است که می‌توان گفت عناوین دوره‌های آموزشی برگزار شده بر روی وضعیت اشتغال کارآموزان تأثیرگذار بوده است و در واقع فرض تحقیق با بیش از ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. در تحقیق «خداوردیان» بین عنوان دوره و سودمندی دوره آموزشی، رابطه معنی‌داری دیده شد، ولی نتایج تحقیق «زوار» بیانگر نبود رابطه معنی‌دار بین سودمندی دوره آموزشی و عنوان دوره آموزشی است (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ زوار، ۱۳۷۳).

**فرضیه سیزده:** نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در مورد میانگین رتبه‌ای وضعیت اشتغال کارآموزان بر حسب شهرستانهای مختلف  $TC = 43/203$  است که می‌توان این‌گونه ارزیابی کرد که روستاییان آموزش دیده (کارآموزان) در شهرستانهای مختلف از نظر یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی با یکدیگر اختلاف معنی‌داری دارند و در واقع فرض تحقیق با بیش از ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. نتایج مطالعه «خداوردیان» بیانگر رابطه معنی‌دار بین شهرستانهای محل برگزاری و سودمندی دوره آموزشی است. همچنین «دشتی» در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که بین شهرستان محل برگزاری دوره و میزان استقبال کارآموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ دشتی، ۱۳۷۲).

**فرضیه چهارده:** نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در مورد میانگین رتبه‌ای وضعیت اشتغال کارآموزان بر حسب روش تدریس آموزشگران دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای  $X^2 = 5/663$  است که مقدار به دست آمده در سطح ۵ درصد معنی‌دار نمی‌شود و فرض تحقیق با حداکثر خطای ۵ درصد، رد می‌شود. پس روش تدریس آموزشگران دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی بر وضعیت اشتغال کارآموزان تأثیری نداشته است.

**فرضیه پانزده:** نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در مورد میانگین رتبه‌ای وضعیت اشتغال کارآموزان بر حسب نوع وسایل کمک آموزشی مورد استفاده مربی،  $X^2 = 17/590$  است که مقدار به دست آمده در سطح اطمینان ۵ درصد معنی‌دار نیست و فرض تحقیق با حداکثر خطای ۵ درصد رد می‌شود. نتایج حاصل از تحقیقات «خداوردیان»، «زوار» و «دشتی» مؤید وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین استفاده از مواد و رسانه‌های آموزشی و سودمندی دوره آموزشی با ارتقای سطح آگاهی و مهارت شغلی کارآموزان بوده است (خداوردیان، ۱۳۷۸؛ زوار، ۱۳۷۳؛ دشتی، ۱۳۷۲).

**فرضیه شانزده:** بر اساس نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس، میانگین رتبه‌ای وضعیت اشتغال کارآموزان بر حسب نوع شغل روستاییان آموزش دیده (شاغل)  $X^2 = 9/52222$  است

که مقدار به دست آمده در سطح اطمینان ۵ درصد معنی دار نیست. بنابراین فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان، رد و فرض صفر، مورد قبول واقع می‌شود، یعنی نوع شغل روستاییان بر وضعیت اشتغال آنان تأثیری نداشته است.

فرضیه هفده: نتایج حاصل از آزمون من وایت‌نی و مقایسه عدد  $Z = ۳/۴۵۷۹$  با عدد  $۱/۹۶$  حاصل از منحنی نرمال، فرض را با اطمینان ۹۹ درصد تأیید کرده است. بنابراین بین دو گروه روستاییان آموزش دیده متاهل و مجرد از نظر وضعیت اشتغال یعنی یافتن شغل یا تثبیت و استمرار شغلی اختلاف معنی داری وجود دارد.

فرضیه هجده: از مقایسه میانگین حاصل از دو جامعه کارآموزان زن و مرد که از طریق آزمون من وایت‌نی انجام شده است، وجود رابطه معنی دار بین جنسیت و وضعیت اشتغال تأیید می‌شود. از این رو فرض تأیید می‌گردد و فرض رد می‌شود. بنابراین بین وضعیت اشتغال کارآموزان زن و مرد تفاوت معنی داری وجود دارد. تحقیقی که سازمان جهاد سازندگی خراسان انجام داده است رابطه بین جنس فراگیر و میزان یادگیری حاصل از آموزشهای فنی و حرفه‌ای را تأیید کرده است ولی تحقیق «صابری» و «خداوردیان» مؤید نبود رابطه معنی دار بین جنسیت و میزان ارتقای آگاهی بزرگسالان شرکت‌کننده یا سودمندی دوره آموزشی است (سازمان جهاد سازندگی خراسان، ۱۳۷۶؛ صابری، ۱۳۷۴؛ خداوردیان، ۱۳۷۳).

فرضیه نوزده: نتایج آزمون من وایت‌نی و مقایسه عدد  $Z = -۳/۰۶۸۶$  با عدد  $۱/۹۶$  حاصل از منحنی نرمال، فرض را با اطمینان ۹۹ درصد تأیید کرده است. یعنی افرادی که از تسهیلات حمایتی استفاده کرده‌اند نسبت به بقیه در یافتن شغل یا استمرار و تثبیت شغلی، موفق‌تر بوده‌اند.

تحقیق «خداوردیان» رابطه معنی دار بین استفاده کارآموز از تسهیلات حمایتی پس از دوره آموزشی و سودمندی دوره آموزشی را تأیید می‌کند (خداوردیان، ۱۳۷۸).

جدول ۲ - مجموعه نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن درباره رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار P	رابطه
۱	سن	وضعیت اشتغال	۰/۰۰۱	دارد
۲	سواد	وضعیت اشتغال	۰/۴۹۱	ندارد
۳	سابقه	وضعیت اشتغال	۰/۴۶۹	ندارد
۴	شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف	وضعیت اشتغال	۰/۵۰۸۳**	دارد
۵	تناسب دوره آموزشی با شغل مورد علاقه	وضعیت اشتغال	۰/۳۶۹۳**	دارد
۶	تناسب محتوای آموزشی با نیازهای شغلی	وضعیت اشتغال	۰/۳۶۷۸**	دارد
۷	تناسب عنوان دوره با شغل مورد علاقه	وضعیت اشتغال	۰/۴۲۳۱**	دارد
۸	میزان مناسب بودن سرفصلهای دوره آموزشی	وضعیت اشتغال	۰/۳۹۰۱**	دارد
۹	مناسب بودن روش تدریس فرمی	وضعیت اشتغال	۰/۳۲۲۸**	دارد
۱۰	مناسب بودن مکان برگزاری دوره	وضعیت اشتغال	۰/۳۲۸۲**	دارد
۱۱	هماهنگی دوره با زمینه‌های شغلی موجود	وضعیت اشتغال	۰/۲۷۱	دارد

\*\*\* = سطح معنی داری در سطح ۱ درصد خطا

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۳ - مجموعه نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس درباره رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی دار	اختلاف
۱۲	عنوان دوره‌های آموزشی	وضعیت اشتغال	۰/۰۰۶	دارد
۱۳	شهرستانهای مختلف	وضعیت اشتغال	۰/۰۰۰	دارد
۱۴	روشهای تدریس فرمی	وضعیت اشتغال	۰/۴۶۱۹	ندارد
۱۵	وسایل کمک آموزشی	وضعیت اشتغال	۰/۱۲۸۷	ندارد
۱۶	نوع شغل	وضعیت اشتغال	۰/۳۹۰۵	ندارد

\*\*\* = سطح معنی داری در سطح ۱ درصد خطا

(منبع: یافته‌های پژوهش)

**جدول ۴ - مجموعه نتایج حاصل از آزمون من‌وابتنی دربارهٔ رابطهٔ متغیرهای مستقل با متغیر وابسته**

شمارهٔ فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار U	سطح معنی‌داری	نتیجهٔ آزمون
۱	وضعیت تاهل	وضعیت اشتغال	۲۲۳۴/۵**	۰/۰۰۰۵	+
۲	جنسیت	وضعیت اشتغال	۵۷۰/۵**	۰/۰۰۰۹	+
۳	استفاده یا عدم استفاده از تسهیلات حمایتی	وضعیت اشتغال	۱۹۶۱**	۰/۰۰۲۲	+

\*\* = سطح معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا

(منبع: یافته‌های پژوهش)

**پیشنهادها**

- انتخاب کارآموزان برای تشکیل دوره‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی بر اساس ملاک سن، عناوین دورهٔ آموزشی و جنسیت.
- چاپ، تکثیر و توزیع نشریات و مجلات متعدد دربارهٔ دوره‌های مختلف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی.
- برگزاری کلاسهای آموزشی هماهنگ با زمینه‌های شغلی موجود در منطقه.
- برگزاری سمینارها و نشستهای سالیانه و فصلی در قالب استانی و ناحیه‌ای دربارهٔ اهمیت شرکت در دوره‌های آموزش‌های غیر رسمی فنی حرفه‌ای.
- توجه به مسئلهٔ دوری و نزدیکی محل برگزاری دوره‌های آموزشی.
- تشکیل کلاسهای آموزشی بر اساس علائق روستاییان.
- برگزاری دوره‌های آموزشی بیشتر برای روستاییان.
- اعطای تسهیلات حمایتی بیشتر به شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی.
- انتخاب یک عنوان از دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی با هدف بررسی اثربخشی دورهٔ آموزشی مورد نظر بر روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده.
- انجام پژوهشهایی در مناطق مختلف کشور در زمینهٔ تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیر رسمی بر روی وضعیت اشتغال مخاطبان مانند زنان روستایی، جوانان روستایی و غیره.



منابع

- ۱- خداوردیان، م. م. ر. (۱۳۷۸)، بررسی عوامل مؤثر بر سودمندی دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد سازندگی برای شاغلین روستایی استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۲- دشتی، ق. (۱۳۷۲)، طرح ارزشیابی دوره‌های آموزشی امور دام. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۳- زوار، ت. (۱۳۷۳)، بررسی رابطه برخی عوامل با سودمندی دوره‌های آموزشی بزرگسالان روستایی استان آذربایجان غربی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ۴- سازمان جهاد سازندگی آذربایجان غربی (۱۳۷۹)، گزارش دوره‌های آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی جهاد سازندگی استان آذربایجان غربی. ارومیه: سازمان جهاد سازندگی آذربایجان غربی، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۵- سازمان جهاد سازندگی استان خراسان (۱۳۷۴)، ارزشیابی دوره‌های آموزش قالببافی برگزار شده توسط اداره آموزش بهره‌برداران. مشهد: سازمان جهاد سازندگی استان خراسان، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۶- شالچیان، ط. (۱۳۷۳)، «چگونگی غلبه بر کمبود منابع انسانی در آموزش علمی کاربردی». مجموعه مقالات فارسی سمینار بین‌المللی آموزشهای علمی و کاربردی (فنی و حرفه‌ای). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزشهای علمی و کاربردی.
- ۷- صابری، م. (۱۳۷۳)، بررسی میزان یادآوری مطالب آموخته شده توسط نوسوادان بزرگسال شاغل در شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ۸- عربزاده مقدم، م. (۱۳۷۷)، ارزشیابی از دوره‌های فنی و حرفه‌ای تربیت یافتنده فرش سطح ۲ در استان مازندران. (طرح پژوهشی). تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- ۹- فرشاد، م. (۱۳۷۴)، بررسی رابطه آموزشهای رسمی فنی و حرفه‌ای با اشتغال فارغ‌التحصیلان در سالهای ۶۷-۱۳۶۳. تهران: وزارت آموزش و پرورش، شورای تحقیقات.
- ۱۰- کرباسیون، م. (۱۳۷۳)، بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی و موانع تدریس از نظر مربیان دوره‌های آموزش روستاییان استان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده کشاورزی.

- ۱۱- مرجانی، ب. (۱۳۷۰)، بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مدارس فنی و حرفه‌ای در ایران از دارالفنون تا به امروز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.
- ۱۲- نیکجو، غ. (۱۳۷۴)، عوامل مؤثر در موفقیت روش گروهی انبوهی در آموزشهای غیررسمی روستاییان استان آذربایجان شرقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- ۱۳- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۷)، جایگاه آموزشهای فنی و حرفه‌ای در معاونت ترویج و مشارکت مردمی. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر آموزش روستاییان، گروه آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی.
- ۱۴- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۹)، نگاهی اجمالی به آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی وزارت جهاد سازندگی. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر آموزش روستاییان، گروه آموزشهای فنی و حرفه‌ای غیر رسمی.
- ۱۵- مدیریت پژوهش (۱۳۷۷)، «سیر تکوینی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران». فصلنامه هماهنگ، ش ۴۵، ص ۳۰.

16- Benavot, A. (1983), "The rise and decline of vocational education". **Journal of Sociology of Education**. Vol. 56.

17- Carkhuff, R. R. (1986), **Human Process and Human Productivity**. London: Human Resource Development Process Inc.

18- Carton, M. (1984), **Education and the World of Work**. Paris : UNESCO